

بسم الله الرحمن الرحيم

وقوع برخی تغییرات در نقش و جایگاه روحانیت

تقریر مصاحبه سایت خبری تحلیلی فرهنگ سدید با دکتر سید حسین شرف الدین، عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۴۰۳/۱۱/۸.

(۱) یکی از انگاره های موجود در خصوص روحانیت شیعه، کاهش موقعیت و نفوذ اجتماعی آنها بویژه در یکی دو دهه اخیر در ایران است، با فرض قبول این انگاره چه عواملی را در این افت منزلت موثر می دانید؟ این انگاره یا ذهنیت ارزیابانه بیشتر بر مشاهده برخی ظواهر و شیوع انتقادات اقشار مختلف جامعه از روحانیت عمدتاً به دلیل اتصال با حاکمیت دینی مبتنی است. البته قرائن و شواهدی نیز بر صحت این ادعا کم و بیش وجود دارد. برخی مطالعات انجام شده در خصوص وضعیت دینداری جامعه نیز از تغییر نظام انتظارات مردم از روحانیت و تغییر معیارهای ارزیابی مطلوبیت و مقبولیت یک روحانی در افکار عمومی، حکایت دارد. در هر حال، اگر اصل تنزل موقعیت هم امری مسلم و محقق باشد، اطلاع یابی از کم و کیف و میزان آن مستلزم انجام یک مطالعه میدانی جامع و دقیق است.

با فرض قبول این مدعا، علل و دلایل متعددی را در این خصوص می توان موثر شمرد که به قدر مجال به برخی از آنها بدون رعایت یک چینش خاص اشاره می کنم:

روند خاموش سکولاریزاسیون در جامعه (که تنزل موقعیت دین و روحانیت را توأمان نشانه گرفته است؛ تاثیر پذیری گسترده اقشار مختلف از موج های فرهنگی بیگانه از مجرای مصرف محصولات رسانه ای جهانگستر (ماهوارها و اینترنت) و نیز مسافرت به کشورهای مختلف، وقوع تغییر در الگوی دینداری سنتی مالوف و ظهور دینداری های جدید (که در برخی از آنها جدایی از روحانیت و بدیل سازی، یک اصل جوهری است)، رواج روزافزون دینداری های برساختی و مبتنی بر خود اجتهادی های شخصی، کاهش دغدغه های دینداری و اصرار بر ترجیح زیست مومنانه به معنای حداکثری آن، رشد تحصیلات عالی و سواد آکادمیک و از جمله افزایش آگاهی های مذهبی و الهیاتی از طریق آموزش های مدرسی و رسانه های جمعی و اجتماعی و در نتیجه احساس استغنا یا کاهش نیازمندی به روحانیت، ظهور شخصیت های بدیل با نقش و کارکرد روحانی بدون تلبس به لباس

ویژه و سهولت دسترسی بدانها (برخی تحلیل گران لباس مخصوص روحانیت را که صرفاً علامتی برای شناسایی و تمایز ایشان و انتساب آنها به دستگاه دین است، عاملی موثر برای ایجاد فاصله و دوگانگی تفسیر کرده اند)، ضعف توان غالب روحانیون از پاسخگویی به سوالات متنوع و عصری مردم بویژه اقشار تحصیل کرده، دانش بنیاد شدن عرصه های مختلف زندگی و احساس بی نیازی از مراجعه به آموزه های دینی، تخصصی شدن آموزش های غالب طلاب و در نتیجه افت توانمندیهای آنها برای برقراری ارتباطات مردمی و توده ای، عدم علاقه غالب طلاب دارای تحصیلات آکادمیک به ایفای نقش های سنتی از جمله تبلیغ به معنای خطابه و منبر در مناسبت های مذهبی، تامین اجمالی معیشت طلاب از طریق شهریه، حقوق ناشی از استخدام در دوایر دولتی و خصوص و برخی اشتغالات آموزشی و پژوهشی و در نتیجه عدم یا کاهش وابستگی به کمک های مردمی و ارتزاق از مجرای ایفای نقش های تبلیغی مالوف؛ کمبود طلاب فاضل و فرهیخته و برخوردار از مهارت ها و توانمندیهای ارتباطی لازم برای نقش آفرینی در عرصه های مختلف متناسب با سطح انتظار و ضرورت های جامعه اسلامی (در مقیاس داخلی و بین المللی)؛ ورود بخشی از روحانیون توانمند به عرصه های شغلی ناشی از حکومت دینی و بازماندن از رسالت تبلیغی، مشارکت بخش قابل توجهی از روحانیون در مناصب حکومتی و بالطبع انتساب برخی ضعف ها و کاستی ها به حضورایشان، ضعف غالب روحانیون در اتخاذ مواضع انتقادی نسبت به سیاست ها و عملکردهای ضعیف و توجیه ناپذیر بخش هایی از حاکمیت و کارگزاران نظام اسلامی، جدایی تدریجی سبک زندگی و خلق و منش برخی از روحانیون از متوسط مردم و تعمیق ناخواسته برخی فاصله ها، آشفتگی نظام تبلیغات دینی و مغفول ماندن خدمات فرهنگی روحانیت، موقعیت یابی برجسته مداحان در راهبری مجالس و هیئات مذهبی و به حاشیه راندن و عاظ و سخنوران روحانی، عدم استفاده بهینه روحانیت از فرصت های استثنایی تبلیغ متناسب با امکانات و انتظارات، کلیشه شدن حساسیت های مذهبی و اصرار بر برخی ارزشها و هنجارها (مثل حجاب) و غفلت مشمئز کننده از سایرین، افراط در سوکواریها و عزاداری های مذهبی و کم توجهی به اعیاد و مناسبت های شادی آفرین، تقابل افکنی بی مبنا میان برخی سنت های ملی و دینی (مثل یلدا، چهارشنبه سوری، سیزده بدر)، دامن زدن برخی جریانات وابسته به روحانیت به اختلافات تاریخی - کلامی شیعه و سنی، تقویت روزافزون انگاره ناکارآمدی نظام اسلامی در اداره کشور (و پیامدهای در تضعیف موقعیت روحانیت)، دخالت غیر فنی برخی تریبون داران جمعه در مسائل کلیدی کشور، ضعف روحانیت در نقدهای درون گفتمانی و رصد مستمر قوت ها و ضعف ها، کاهش نقش الگویی و مرجعیت ارزشی روحانیت به دلیل ضعف برخوردار از ویژگی های لازم و نیز به دلیل ظهور چهره های الگویی جدید (تحت عنوان سلبریت ها، اینفلونسرها، ستارها و

سوپراستارهای بعضا غیر ارزشی)؛ ظهور پدیده آقازادگی و عملکردهای ناصواب برخی از وابستگان به شخصیت های روحانی و چهره های موجه که در نهایت به تضعیف باور عمومی به صلاحیت این قشر برای راهبری توده ها در مسیر نیل به اهداف و غایات متعالی منجر شد؛ افشای برخی پرونده های فساد مالی مربوط به برخی شخصیت های روحانی شاغل در مراکز قدرت، حضور بی رویه روحانیون در عرصه های مختلف شغلی و ایجاد حساسیت در افکار عمومی، ورود برخی روحانیون به جناح بندی های سیاسی و درگیر شدن در بازیهای کسب قدرت و ثروت، تضعیف موقعیت مراجع تقلید، تعدد و تکثر مدعیان مرجعیت، وابستگی حوزه های علمیه به کمک های مالی دولت (و پیامدهای منفی آن در افکار عمومی)، ضعف توان حوزه در جذب نخبه گان و استعدادهای درخشان، افزایش تمایل غالب افراد به معنویت گرایی به جای دینداری رسمی، رواج روزافزون قرائت های روشنفکرانه و انتقادی از دین و آموزه های آن، گسترش ارتباطات روشنفکران و چهره های دانشگاهی با توده های مردم از طریق شبکه های اجتماعی و تامین برخی از نیازهای معرفتی آنها، احساس نیاز جامعه به ویژه اقشار فرهیخته به ضرورت اعمال برخی اصلاحات در سنت های کلامی، فلسفی، فقهی، عرفانی و اخلاقی در نظام معرفتی دین) متناسب با اقتضائات زمانه و...

۲) نقش تغییر در ساختار محله ها و از بین رفتن ارتباطات سنتی بین مردم و روحانیون محلی، چه تأثیری بر کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت داشته است؟

این پدیده نیز قطعا بی تاثیر نبوده است. وقوع تغییرات کالبدی در فیزیک محلات و برهم خوردن بافت سنتی مناطق مسکونی تحت تاثیر توسعه بی رویه شهرها و ظهور پدیده کلان شهر در کم و کیف ارتباطات انسانی عموما و ارتباط میان مردم و روحانیون خصوصا موثر بوده است. در گذشته که عموم مردم در روستاها و شهرهای کوچک و محله های خاص زندگی می کردند، ارتباطات اجتماعی با گستره و عمق هستی شناختی بیشتری در جامعه جریان داشت. روحانیون نیز معمولا بعد از فراغت از تحصیل به شهر و دیار خود بازمی گشتند، در مناطقی آشنا و با سابقه استقرار می یافتند، میان آنها و مردم آشنایی متقابل دیرینه وجود داشت، دسترسی مردم به ایشان آسان بود، وضعیت زندگی و سلوک عادی آنها برای عموم مشاهده پذیر بود، امکان الگوگیری و اقتدا به چهره های شاخص آنها به راحتی میسر بود. روحانی نیز به دلیل آنکه همواره خود را در مرعا و منظر عموم احساس می کرد، به طور قهری کنترل و فشار هنجاری بیشتری بر روند زندگی و احوالات عمومی خویش احساس می

کرد و آگاهانه نیز سعی می کرد خود را با انتظارات به حق مردم همسو کند. خود الزامی به رعایت این سنخ مراقبت ها برای روحانیون نیز سازنده بود و میزان تخلق آنها به ارزش های اخلاقی مورد انتظار عموم را کما و کیف افزایش می داد. روشن است که زندگی در شهرهای بزرگ در ایجاد فاصله های فیزیکی و به تبع آن برخی فاصله های معنوی و معنایی میان روحانیون و مردم قویا موثر بوده است و وجود همین فاصله ها زمینه برای رواج برخی شایعات و ایجاد ذهنیت های منفی را تشدید کرده است. در هر حال، روحانیت برای ایفای رسالت تبلیغی خود به داشتن ارتباطات مردمی مسئولانه و متعهدانه قویا محتاج است و باید تا حد امکان در تمهید مقدمات و رفع موانع آن بکوشد.

۳) کاهش مرجعیت روحانیت شیعه چه تاثیری بر هویت ملی و مذهبی ایرانیان خواهد داشت؟

از دید جامعه شناختی، دینداری و عضویت در جماعت مومنان و باورمندان به یک دین یا مذهب، همواره یکی از کانون های مهم برای هویت یابی و کسب هویت اجتماعی از نوع قدسی آن بوده است. فرهنگ دینی و زیست جهانی که مومنان عموماً در شعاع و تحت تاثیر قواعد و معیارهای آن حیات روزمره خود را سامان می دادند، همواره توسط روحانیون مراقبت، پاسداری، بازسازی، ترویج، تعمیق و تقویت می شد. تردیدی نیست که کاهش مرجعیت روحانیت اگر با کاهش موقعیت و جایگاه اجتماعی دین همراه و مسبوق باشد، قطعاً در وضعیت دینداری، فرهنگ دینی، سازمانهای دینی، محصولات و مصنوعات فرهنگ دینی و همه جلوه ها و مظاهر نرم و سخت این فرهنگ و نقش ها و کارکردهای فرهنگی اجتماعی آن در جامعه انعکاس یافته و بالتبع آنها را تضعیف کرده و به حاشیه می راند. بدیهی است که تضعیف دین و دینداری، هویت ناشی از تعلق بدان را نیز تضعیف و احیاناً جایگزین خواهد کرد.

۴) ظرفیت های پیش روی روحانیت شیعه برای احیا و تقویت منزلت اجتماعی خود چیست؟

موقعیت اجتماعی روحانیت تا حد زیاد تابع موقعیت فرهنگی اجتماعی دین در جامعه است. بی شک، تضعیف موقعیت دین و نهادهای دینی در جامعه، در تضعیف موقعیت و کاهش نقش های محوّل روحانیون به عنوان مفسران، مبلغان و اقامه کننده گان رسمی دین در جامعه موثر است. عامل دیگری که در زمان کنونی در تضعیف موقعیت روحانیت موثر بوده یا بالقوه می تواند موثر باشد، تاخر آنها از اقتضائات زمانه و ناهمسویی با نظام

انتظارات و ترجیحات مردم است. اما اینکه فرمودید روحانیت شیعه در ایران از چه ظرفیت هایی برای تقویت جایگاه اجتماعی خود برخوردار است باید عرض کنم که

روحانیت هنوز تریبونهای مختلفی برای تبلیغ در اختیار دارد و موقعیت های سیاسی و اجتماعی موجود نیز می تواند بهتر و بیشتر از قبل در راستای تبلیغ دین و ارتقای فرهنگی جامعه به کار گرفته شود. همچنین

ریشه دار بودن باورها و اعتقادات مذهبی در وجدان جمعی ایرانیان و شاکله فرهنگی جامعه ایران که بواسطه انقلاب اسلامی شکوفایی در خوری نیز یافته است، پیوند عمیق عاشقانه شیعیان به اهل بیت (ع)، وقوع انقلاب اسلامی و موقعیت یابی فرا نهادی دین، تجربه تحول فرهنگی جامعه تحت تاثیر انقلاب اسلامی و شرایط ناشی از آن، احساس نیاز به معنویت ناب دینی به دلیل محرومیت نسبی جامعه مدرن از این موهبت و نقش روحانیون در تامین این مهم، اهتمام جدی مردم به برپایی برخی مناسک جمعی و... همه و همه فرصت های زمینه ای بسیار تعیین کننده ای است که به روحانیت امکان میدان داری و نقش آفرینی فعال در عرصه راهبری فرهنگی و معنوی جامعه را مهیا می سازد.

برخی اقدامات زیربنایی نیز در راستای اصلاح سازمان روحانیت و مراکز دینی وابسته در جهت ترمیم جایگاه اجتماعی روحانیت و تقویت منزلت آن قابل توصیه به نظر می رسد. برای نمونه:

اصلاح نظام مدیریتی، گزینشی، آموزشی، تربیتی، پژوهشی و تبلیغی رایج در حوزه های علمیه، اهتمام به پژوهش های دینی روشمند و دارای استانداردهای لازم، بهره گیری حداکثری از یافته های علوم انسانی و علوم اجتماعی جدید در مطالعات دینی (و اهتمام جدی به مطالعات میان رشته ای)، اهتمام به بازبینی و تصحیح قرائت های ضعیف از برخی آموزه های دینی، تقویت خردگرایی دینی و رویکردهای عقلی انتقادی، تعدیل تلقی های حداکثری از دین و طرح توقعات برنیابوردنی از تعالیم دینی، توجه جدی به نیازهای های اساسی انسان و جامعه معاصر بویژه در بخش معنویات، همکاری وثیق میان مراکز و سازمانهای متولی فرهنگ دینی، تقویت ارتباط با مراکز علمی مذهبی فعال در جهان اسلام و بلکه در جامعه جهانی، اهتمام به مطالعه دین در مقام تحقق یا دین عینیت یافته در گستره اجتماع با رویکردهای جامعه شناختی در کنار سایر گونه های دین پژوهی، نظارت و مراقبت از قائمه ها و بنیادهای فرهنگ دینی، بهره گیری حداکثری از رسانه های جمعی و اجتماعی در تبلیغ دین، فرهنگ دینی و ارزش های اخلاقی؛ تولید و عرضه محصولات فرهنگی متناسب با ذائقه های متنوع مخاطبان،

مبارزه قاطع و مستمر با بدعت ها و خرافات و مروجان آنها، محدودسازی دخالت روحانیون در آن دسته از مناصب حکومتی که چندان به رسالت تبلیغی آنها مربوط نمی شود، لزوم توجه به ساختارهای اجتماعی و محدودیت های ناشی از آن در رفتارهای دینی مورد انتظار، پویاسازی فقه متناسب با اقتضائات زمان و مکان، تلاش در جهت تامین نیازهای فقهی نظام و جامعه اسلامی در بخش های مختلف متناسب با اقتضائات زمان، سوق دادن فقه فتوایی به فقه تقنینی، مبارزه قاطع با فساد ساختاری در مظاهر مختلف آن، به رسمیت شناختن درجاتی از تکثرگرایی و تنوع گرایی دینی، سامان دهی به فرایند اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر بویژه در سطوح ساختاری، نقد مستمر سیاست های اجرایی نظام اسلامی و عملکرد مسئولان در بخش های مختلف، توجه دادن به نقش مستقیم و غیر مستقیم دینداری در کلیت زندگی، احیاء و تقویت سبک یا سبک های زندگی مومنان، الگوسازی از زندگی شخصیت های بزرگ و محبوب و کاستن سلطه ناصواب سلبریت ها در افکار عمومی، نظارت و کنترل بفرایندهای تولید و عرضه محصولات دینی و فرهنگی و احیانا محصولات وارداتی، غنی سازی مناسک دینی و مراقبت از تبدیل آنها به عادت واره های تهی از معنا، نقد مستمر و دغدغه مند فرهنگ دینی مومنان و مراقبت از آن در لغزیدن به سمت خرافات، اهتمام قاطع و رسالتمند به تحقق حداکثری آرمان عدالت اجتماعی در بخش های مختلف و پایان دادن به انواع ظلم، تبعیض، نابرابری، فاصله طبقاتی، رانت جویی، ویژه خواری در نظام اسلامی؛ مبارزه قاطع و خستگی ناپذیر با فساد ساختاری در نظام و مظاهر متنوع آن، تلاش در جهت کاهش آسیب ها و کجرویهای اجتماعی در جامعه و کاهش و ترمیم پیامدهای ناشی از آن در سطوح فردی و اجتماعی، مشارکت در تامین نیازهای مشورتی گروههای مختلف بویژه در بخش های اخلاقی، تربیتی و خانوادگی، پایان دادن به آشفته بازار کنونی در موجودیت یابی بی ضابطه مدعیان مرجعیت تقلید، انتشار بی حساب رساله های عملیه، تلاش برای جذب مقلد و جمع آوری وجوهات شرعی، تاسیس دفاتر در استانها و شهرهای مختلف و...؛ اهتمام به تحقیقات کاربردی، توجه بیشتر به ارزش های عام انسانی (حقوق بشر، حقوق شهروندی و...)، توجه به برنامه های شادی آفرین برای تامین نیازهای فراغتی جامعه با رویکرد دینی، تلاش در جهت مناسک سازی متناسب با برخی عناصر فرهنگی و ارزشی دین، تلاش در جهت جذب استعداد های درخشان و رفع نیازهای معیشتی طلاب، اهتمام به کرسی های نظریه پردازی و نقد آموزه ها و رونق بخشی به فرایند بازاندیشی در تراث دینی، توجه جدی به آسیب های فرهنگی تهدید کننده نسل جوان، تلاش در جهت احیاء و تقویت فرهنگ مطالعه در سطوح مختلف، مبارزه همه جانبه با تهاجم فرهنگی دشمن، اصلاح روندهای آموزش معارف

دین در مدارس و دانشگاهها، تقویت محتوایی، ساختاری و زبانی تبلیغ دین در کانال های مختلف رسانه ملی و رسانه های جهانگستر(برای مخاطبان بیرونی)، تقویت زمینه های تبلیغ دین در جامعه جهانی بویژه برای ارتقا موقعیت شیعیان جهان، اهتمام به رشد کمی و کیفی محصولات فرهنگی دین محور(کتاب، نشریه، نرم افزار، فیلم، سریال، کارتن، موسیقی و...)، تقویت زمینه های وحدت و همدلی میان اقوام مختلف ایرانی، تقویت پیوندهای مذهبی میان شیعه و سنی در داخل و در جهان اسلام، تقویت و ارتقای کانونهای فرهنگی بویژه کانونهای قرآنی، بسط و تقویت کتابخانه های عمومی، تخصصی و نیمه تخصصی در سراسر کشور، تقویت نهاد خانواده و مهار روند فزاینده طلاق، اتخاذ تمهیدات لازم در مبارزه با روند فزاینده آسیب ها و انحرافات اجتماعی و...